



تحلیل تقصیر فاحش و مقایسه آن با بند (ب) ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی

غفار جهانبخش^۱

۱- کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی

jahanbakhshghfar@yahoo.com

چکیده

تقصیر فاحش» تقصیری است که مظهر عدم مهارت یا غفلت شدید در حدی شگفت است. نه قصد اضرار هست و نه جنایت ولی آنچنان بی‌مبالاتی وجود دارد که گویی کار عمداً انجام گرفته است. می توان گفت که تقصیر فاحش در معنی مذکور منطبق با بند «ب» ماده (۲۹۱) قانون مجازات اسلامی است. که تصریح می‌نماید هر گاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که جنایتی را به اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم شود، منطبق می‌باشد.

واژگان کلیدی: تقصیر فاحش، قصد مجرمانه، اراده، انسان متعارف، نوعاً کشنده، بی‌پروائی شدید.

۱- مقدمه

تقصیر در لغت، خودداری از انجام عملی با وجود توانایی بر انجام آن می‌گویند. و برخی آن را تجاوز از رفتار شخص محتاط و آگاه یا رفتار انسان متعارف، یا تجاوز از رفتاری که رعایت آن برای حمایت از دیگران لازم است. واژه تقصیر در حقوق جزا به دو معنی به کار رفته است؛ به معنای اخص که منحصر به بی‌احتیاطی و غفلت بوده، در نقطه مقابل قصد مجرمانه به کار می‌رود. و در معنای اعم عبارت است از رابطه خاص روانی و ذهنی که بین فاعل و جرم برقرار می‌شود که علاوه بر قصد مجرمانه سایر اشکال ارتباط روانی فاعل با بی‌نظیر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، غفلت را نیز در برمی‌گیرد و در خصوص ماهیت تقصیر دو نظریه با ارائه کرده‌اند از جمله نظریه روانی (نفسانی) که عبارت است از نوعی رابطه صرفاً روانی که بین فاعل و واقعه مجرمانه‌ای که در عالم خارج ایجاد می‌کند برقرار می‌شود. نظریه مذکور مدعی است که رابطه روانی مزبور خواه تقصیر عمدی و خواه تقصیر غیر عمدی، دارای واحد یکسان است که جوهر و اساس آن را اراده تشکیل می‌دهد. ناتوانی نظریه روانی در تفسیر تقصیر عمدی برخی از حقوق‌دان‌ها را به تکمیل و اصلاح واداشت و راه را برای ورود نظریه قانونی به عرصه حقوق جزا هموار ساخت. که بر اساس این دیدگاه «تقصیر» صرف «اراده» نیست، بلکه عبارت است از اراده مجرمانه یا اراده نامشروع و این مفهوم است که جوهر ماهیت تقصیر را تشکیل می‌دهد و از رهگذر «تعارض» اذراده با قوانین جزایی بوجود می‌آید با این توصیف پذیرش هر دو نظریه توأمان امکان پذیر و بلکه ضروری است زیرا هر کدام در تبیین ماهیت تقصیر نقش دارند. با توجه به توضیحات فوق‌الذکر تقصیر سنگین تقصیری است که مظهر عدم مهارت یا غفلت شدید در حدی شگفت است نه قصد اضرار هست و نه جنایت ولی آنچنان بی‌مبالاتی وجود دارد که کویی کار عمداً انجام گرفته است. و برای تشخیص تقصیر از دو مفهوم، نوعی و شخصی استفاده می‌شود که بر اساس تقصیر شخصی، برای تمیز تقصیری به حالت عادی و متعارف خود شخص توجه می‌شود و برعکس که تقصیر نوعی، شخص متعارفی را که نه بسیار محتاط است و نه بسیار محمل و بی‌احتیاطی بلکه یک شخص متعادل و متعارف است به عنوان الگو در نظر می‌گیرند. در ما نحن فیه بند «ب» ماده (۲۹۱) قانون مجازات اسلامی منطبق با تعریف تقصیر سنگین می‌باشد. یعنی تقصیری است که مظهر عدم مهارت یا غفلت شدید در حدی شگفت است و آنچنان بی‌مبالاتی وجود دارد که گوی کار را عمداً انجام داده است، لذا چنانچه فردی مرتکب تقصیر سنگین و فاحش گردد و این تقصیر باعث قتل مجنی علیه گردد. مرتکب قتل شبه عمد گردیده است لذا می‌توان گفت تعریف تقصیر فاحش با بند (ب) ماده (۲۹۱) منطبق است.



۲- تعریف تقصیر

برخی آن را تجاوز از تعهد پیشین دانسته‌اند. تجاوز از رفتار شخص محتاط و آگاه یا رفتار انسان متعارف، تجاوز از تکلیف قابل شناسایی و مراعات، تجاوز از رفتاری که رعایت آن برای حمایت از دیگران لازم است، تجاوز قابل انتساب به مرتکب از رفتار یک انسان آگاه و کار نامشروع زیان بار شخص دارای اراده می‌باشد.^۱

در لغت، خودداری از انجام عملی با وجود توانایی بر انجام آن را تقصیر خوانند.^۲

نقطه مقابل آن قصور است که بر ترک عملی به سبب عجز از انجام آن اطلاق می‌شود.^۳

مناسب این معنی اصطلاح جهل تفصیری و جهل قصوری است.^۴

واژه تقصیر در فقه غالباً به همین معنی به کار رفته است. در حقوق مدنی تقصیر اعم از تعدی و تفریط است. «قانون مدنی» اصولیون در پاسخ به این سؤال که تحت چه شرایطی جهل و نداشتن حکم شرعی عنوان تقصیر پیدا می‌کند، گفته‌اند که اولاً جاهل به حکم - قدرت بر تعلیم» و یادگیری حکم شرعی داشته باشد و ثانیاً نوعی «الزام» و «تکلیف» به تعلیم برعهده شخص جاهل مستقر باشد. با اجتماع این دو شرط است که ترک تعلیم و بالتبع جاهل ماندن به حکم عنوان تقصیر بخود می‌گیرد.^۵

۳- تقصیر در حقوق جزا

اگر چه قانون‌گذار تعریفی از تقصیر در قانون مجازات اسلامی به میان نیاورده ولی در تبصره ماده (۱۴۵) مذکور به ذکر مصادیق تقصیر پرداخته است و تصریح می‌نماید تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالایی است، مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی و بی‌مبالایی محسوب می‌شود.

با ملاحظه و تتبع در متون حقوق معلوم می‌شود که این واژه در حقوق جزا به دو معنی متفاوت به کار رفته است.

۱- به معنای اخص که منحصر به بی‌احتیاطی و غفلت بوده، در نقطه مقابل قصد مجرمانه به کار می‌رود.^۶

بسیاری از نویسندگان جزایی این معنا از تقصیر را تحت عنوان «خطای غیر عمدی» یا احياناً «خطای جزایی» معرفی کرده‌اند.^۷

۲- به معنای اعم، عبارت از رابطه خاص روانی و ذهنی که بین فاعل و جرم برقرار می‌شود. این رابطه خاص که در حقوق فرانسه با «رکن معنوی» یا «رکن روانی» جرم شهرت دارد، علاوه بر قصد مجرمانه سایر اشکال ارتباط روانی فاعل با جرم نظیر بی‌احتیاطی، بی‌مبالایی و غفلت را نیز در برمی‌گیرد. در حقوق ایتالیا و نیز در بسیاری از متون حقوقی از معنای اخیر، واژه - خطا تعبیر کرده‌اند.^۸ عدالت نه تنها اقتضاء می‌کند که تقصیر و مسئولیت کیفری متوجه کسی باشد که با وجود علم به نتیجه مجرمانه فعل خود آن را مرتکب می‌شود، بلکه اگر ترتب نتیجه مذکور را بر فعل یا ترک آن متحمل دانست و از ارتکاب فعل خود داری نکرد و یا مواردی غافل بود مقصر شناخته شود. زیرا، قانون‌گذار آدمی را در همه‌ی احوال مکلف به جرم و دوراندیشی در افعال خود کرده است و اگر چنانچه انسان در رفتار خود جانب احتیاط را نگاه ندارد و بر اثر آن نتیجه‌ی وخیمی به وقوع بپیوندد مقصر است.^۹

۱- قاسم‌زاده، سیدمرتضی، چاپ پنجم، ص ۲۶.

۲- مسعود، جبران، جلد ۲، چاپ سوم، ۱۹۷۸، ص ۱۱۸۱.

۳- المقری الفیومی، احمدین محمدین علی، چاپ اول، ص ۵۰۵.

۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ص ۱۷۵.

۵- بجنوردی، میرزاحسن، جلد دوم، ص ۳۵۵.

۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق، ص ۱۷۵.

۷- صانعی، دکتر پرویز، (پلی کی)، ص ۷۵.

۸- ثروت، جلال، ۱۹۶۵ م. ص ۲۰۳، و نیز، جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ذیل واژه تقصیر.

۹- اردبیلی، محمد علی، جلد نخست، ص ۲۴۵.



۴- ماهیت تقصیر جزایی

واژه تقصیر جزایی که در معنای رکن روانی جرم به کار رفته است نوبت به آن رسیده که با ماهیت این نوع تقصیر آشنا شویم در این مورد دو نظریه ارائه کرده‌اند یکی نظریه روانی که قدمت و سابقه بیشتری دارد و دیگری نظریه قانونی یا معیاری که از سابقه کمتری برخوردار است. ذیلاً به طرح و نقد و بررسی هر یک هریک می‌پردازیم.

۴-۱- نظریه روانی (نفسانی)

مطابق این نظریه، تقصیر عبارت است از نوعی رابطه صرفاً روانی که بین فاعل و واقعه مجرمانه‌ای که در عالم خارج ایجاد می‌کند، برقرار می‌شود.^۱ به عبارت دیگر، آن ارتباط معنوی (و روانی) که میان مجرم از یک سو و رفتار مجرمانه که از وی صادر می‌شود برقرار است، ماهیت تقصیر را تشکیل می‌دهد.^۲

این نظریه مدعی است که «رابطه روانی» مزبور خواه «تقصیر عمدی و خواه در تقصیر غیر عمدی و امری واحد یکسان است که جوهر و اساس آن را «اراده» تشکیل می‌دهد. صورت‌های مختلف تقصیر در این اساس مشترکند و تفاوتی که میان آنهاست به امر فرعی برمی‌گردد. به این ترتیب، تقصیر و رکن روانی نزد طرفداران این نظریه عبارت از عطف - اراده» فاعل به ایجاد واقعه‌ای که در نظر قانون ممنوع و جرم است.^۳ نظریه روانی به خوبی از توضیح شکل عمدی تقصیر یعنی قصد مجرمانه برمی‌آید؛ زیرا مطابق تعریف، قصد مجرمانه عبارت از توجه اراده به فعل و نتیجه مجرمانه، در حال علم به کلیه عناصر تشکیل دهنده جرم است.^۴ اما آیا این نظریه می‌تواند شکل غیر عمدی تقصیر، یعنی، «خطای جزایی» را هم تفسیر کند؟ جمعی کوشیده‌اند، برجسته ساختن نقش «اراده» در خطای جزایی، این نوع تقصیر را هم با نظریه روانی تبیین کنند.^۵ حقوق‌دان ایتالیایی بنام «کارنلوتی» بر آن است که در خطای جزایی «اراده» وجود دارد اما معطوف با واقعه‌ای غیر از واقعه ممنوع و مجرمانه است. ناتوانی نظریه روانی در تفسیر و تقصیر غیر عمدی برخی حقوق‌دان‌ها را به تکمیل و اصلاح آن واداشت تا بلکه در سایه این کوشش بتواند کلیه اشکال تقصیر و رکن روانی را تبیین سازند و به این ترتیب، بازسازی و اصلاح نظریه روانی راه را برای ورود نظریه جدیدی با نام نظریه قانونی به عرصه حقوق جزا هموار ساخت.

۴-۲- نظریه قانونی (معیاری)

طرفداران این نظریه، ضرورت «رابطه روانی» را در ماهیت «تقصیر» انکار نمی‌کنند. اما معتقدند که در این رابطه، قادر به توضیح همه جوانب - تقصیر نیست، حتی از این حد فراتر رفته، برآند که این رابطه در ساختمان تقصیر نقش فرعی و ثانی ایفا می‌کند؛ زیرا از این دیدگاه، «تقصیر» صرف «اراده» نیست، بلکه عبارت است از: «اراده مجرمانه» یا «اراده نامشروع» و این مفهوم است که جوهر و ماهیت تقصیر را تشکیل می‌دهد.^۶ بنابراین، اراده مجرمانه به عنوان جوهر تقصیر از «توافق» اراده با واقعه مجرمانه شکل نمی‌گیرد (چنانکه از نظریه روانی برمی‌آید)، بلکه از رهگذر «تعارض» اراده با قوانین جزایی بوجود می‌آید مطابق این نظریه، اراده تنها زمانی رفتار جزایی را توأم با تقصیر و قرین با «رکن روانی» می‌سازد که در جهتی مغایر با امر و نهی قانونی قرار گیرد و موجب نقض یک حکم قانونی شود.^۷ با این ترتیب احکام و مقررات قانونی است که مرجع و معیار اصلی تقصیر قرار می‌گیرد با توجه به این مطالب است که نظریه قانونی می‌تواند هم قصد مجرمانه را مثابه شکل عمدی تقصیر و هم خطای جزایی را به عنوان شکل غیر عمدی تقصیر

۱- بهنام. رمسیس، چاپ دوم، ۱۹۷۶، ص ۴۹۰.

۲- تروت، جلال، همان، ص ۲۰۸.

۳- میر سعیدی، سید منصور، همان، ص ۶۹.

۴- تروت، جلال، همان؛ ص ۲۰۸.

۵- میر سعیدی، سید منصور، همان، ص ۶۹.

۶- میر سعیدی، دکتر سید منصور، همان، ص ۷۰.

۷- اخنوخ، ابراهیم زکی، ۱۹۶۹ م، ص ۶۵.



توضیح و تفسیر کند. برای مثال، قانون گذار مردم را از سلب حیات دیگران باز می‌دارد (قاعده قانونی)، حال اگر کسی اراده خود را به قصد سلب حیات دیگری معطوف به رفتار مجرمانه (مثلاً تیراندازی) سازد، این اراده به دلیل اینکه در جهت مخالفت نهی قانونی به حرکت در آمده است، اراده مجرمانه تلقی شده، رفتار مجرمانه (ارتکاب قتل) را واحد عنصر تقصیر (از نوع عمدی) می‌سازد. همچنین، قانون گذار مردم را در رفتارهای عادی یا حرفه‌ای خود به رعایت احتیاط و پیروی از مقررات و نظامات مربوط موظف می‌سازد (قاعده قانونی) تا بدین وسیله رفتار آنان حیات دیگران را در معرض خطر قرار ندهد. حال چنانچه به «اراده» خود از رعایت احتیاط و مقررات و نظامات مربوط طفره رود و از این رهگذر رفتار او به صدمه دیگری منتهی شود، این اراده به این دلیل که در جهت مخالف با امر قانونی (رعایت احتیاط و نظامات مربوطه) قرار گرفته، اراده مجرمانه محسوب و رفتار مجرمانه (ارتکاب قتل) را دارای عنصر تقصیر (از نوع غیر عمدی) می‌سازد.^۱

۴-۳- نظریه مختلط

پذیرش هر دو نظریه توأمان امکان پذیر و بلکه ضروری است. زیرا هر کدام به نوبه خود در تبیین ماهیت تقصیر نقشی دارند که نظریه دیگر از ایفای آن ناتوان است.

بر اساس این دیدگاه، نظریه مختلط یا به عرصه گذاشت. بر این اساس، طرفداران این نظریه، تقصیر یا رکن روانی جرم را عبارت از حالتی ارادی می‌دانند با دو ویژگی؛ نخست اینکه سبب مستقیم و بلاواسطه واقعه مجرمانه است (پذیرش نظریه روانی) و دیگر اینکه در تعارض با یک تکلیف قانونی قرار دارد (پذیرش نظریه قانونی) پس در این نظریه، هم نقش قانونی آن به عنوان ناقض تکلیف قانونی، توأمان مد نظر قرار گرفته و در نتیجه اراده به عنوان جوهر تقصیر جزای، و رکن روانی جرم در پرتو این نظریه توضیح و تفسیر صحیح خود را باز می‌یابد.^۲

۵- تقصیر عمدی و تقصیر سنگین (فاحش)

قانون گذار ایران در ماده ۳۹۱ قانون تجارت از تقصیر عمدیه (فاحش) متصدی حمل و نقل با اقتباس از حقوق خارجی یاد کرده و حق اقامه دعوی علیه او را، حتی در صورت قبول بی قید و شرط مال تجاری و تأدیه کرایه آن، پذیرفته ولی آن را تعریف نکرده است. چنان که برخی از حقوق دانان گفته اند: «تقصیر سنگین تقصیری است که مظهر عدم مهارت یا غفلت شدید در حدی شگفت است. نه قصد اضرار هست و نه جنایت (سوء نیست) ولی آن چنان بی‌مبالائی وجود دارد که گوی کار عمداً انجام گرفته است.^۳ از نظر تاریخی در حقوق رم و حقوق فرانسه به پیروی از آن و غالب کشورهای که حقوق نوشته دارند تقصیر سنگین را به تقصیر عمدی ملحق می‌کردند^۴ امروزه همان طور که برخی از حقوق دانان معتقدند «تقصیر عمدی مستلزم سوء نیت است زیرا فاعل زیان با داشت قصد و سوء نیت به دیگری زیان می‌رساند اما تقصیر سنگین هر قدر فاحش باشد و متضمن آن نیست». به عبارت دیگر «حسن نیت و سوء نیت وجه تمایز اساسی بین دو مفهوم تقصیر فاحش و تقصیر عمدی است نتیجه این تمایز آن است که تشخیص تقصیر عمدی ضرورتاً به طور شخصی انجام می‌گیرد. در حالی که در تقصیر فاحش، بررسی و تشخیص، دارای جنبه «نوعی» است و رفتار مختلف با رفتار یک انسان متوسط مقایسه می‌شود». از نظر آثار و احکام نیز بین تقصیر عمدی و تقصیر فاحش متفاوت وجود دارد زیرا بیمه تقصیری عمدی برخلاف نظم عمومی و باطل است اما بیمه تقصیر فاحش، با در نظر گرفتن اینکه قانون گذار ایرانی احکام و ضوابط خاص را برای چنین تقصیری مقرر نداشته و در این باره منعی ایجاد نکرده است، صحیح به نظر می‌رسد. صحت بیمه تقصیر فاحش در آرای دیوان تمیز فرانسه^۵ ملاحظه می‌گردد. برای مثال «مسئولیت متصدی حمل و نقل کالا از

۱- میر سعیدی، سید منصور، همان، ص ۷۱.

۲- ثروت، جلال، همان، ص ۲۱۱، عوض محمد، عوض، ه، ۱۹۸۰ م، ص ۴۱۶.

۳- کاربینه، حقوق مدنی، ج ۴، ش ۷۲، ص ۲۷۴، نقل از سید حسن صفایی، ص ۱۷۱.

۴- سید حسن صفایی، همان، ص ۱۷۲.

۵- مازو، ج ۲، ش ۶۳۵، ص ۶۵۰، نقل از محمد وحیدالدین سوار، جلد ۲، ص ۶۰، زیر نویس شماره یک.



طریق خطوط راه آهن حتی در صورت تقصیر فاحش به صورت شرط محدود کننده‌ی مسئولیت پذیرفته شده است:^۱ در حال حاضر در قانون فرانسه تمام اعمال و حوادث غیر عمدی بدون سوء نیت و بدون قصد تقلب بیمه گذار جز در ۲ مورد زیر قابلیت بیمه شدن را دارند.

۱- اشتباه و تقصیر فاحش بزرگ کارفرما قابل بیمه شدن نیست.

۲- در بیمه فوت، اگر خودکشی بیمه شده تا ۲ سال بعد از انعقاد قرارداد بیمه روی دهد بیمه گذار از پرداخت سرمایه بیمه خودداری می کند و فقط ذخیره ریاضی بیمه نامه را می پردازد.

۶- تقصیر شخصی

بر اساس این معیار که به معیار شخصی یا ذاتی معروف است برای تمییز تقصیر به حالت عادی و متعارف خود شخصی توجه می شود نه به ذات و نفس تجاوز؛ بلکه وجدان شخص مقصر است که کاری را خلاف عرف و عادت می بیند و ناپسند می شمارد. بنابراین هر اندازه درجه‌ی آگاهی و تمییز شخص بیشتر باشد لغزش‌های کوچک او تقصیر محسوب می شود. برعکس همان اعمال نسبت یک شخص معمولی یا پایین از او تقصیر به شمار نمی رود. چنان که برخی از حقوق دان‌ها^۲ گفته اند در مقیاس شخصی به تجاوز از زاویه شخص متجاوز نگاه می شود؛ چنانچه برای مقصر شناخته شدن یک شخص عادی و متعارف باید تقصیر او نیز به همان اندازه باشد. بدین سان ضابطه شخصی با عدالت سازگارتر است زیرا مقصر چوب گناه خویش را می خورد و میزان انجراف و تجاوز هر کسی با آگاهی و تمیز خودش سنجیده می شود و بین مسئولیت حقوقی و اخلاقی هم ارتباط مستقیمی برقرار می گردد.

۷- انتقاد از نظریه تقصیر شخصی

اولاً: معیار دقیقی ندارد، زیرا وجدان شخصی و نیروی تمیز او، امر مخفی و پوشیده‌ای که به اختلاف افراد متفاوت است.

ثانیاً: با در نظر گرفتن این ملاک مسئولیت اشخاص دقیق و با وجدان سنگین تر از افراد لابلالی و بی‌مبالاتی خواهد شد.

ثالثاً: در مسئولیت مدنی ضرر و جبران آن و مورد نظر است نه مجازات شخص مقصر^۳ بنابراین گروه دیگری معیار نوعی را پیشنهاد دادند.

۸- مفهوم نوعی تقصیر

بسیاری از حقوق دانان برای برطرف کردن ایرادهای نظریه شخصی تقصیر معیار نوعی تقصیر را پذیرفته اند. آنان شخص متعارفی را که نه بسیار محتاط است و نه بسیار مهممل و بی احتیاط بلکه یک شخص متعادل و متعارف است به عنوان الگو در نظر می گیرند. در حقوق رم چنین شخصی به پدر خوب خانواده معروف بود. مطابق این معیار انسان زمانی مقصر قلمداد می شود که رفتار یک انسان متعارف را به کار نیندند؛ و مقتضای متعارف این است که: اگر شخص مهارت کافی و لازم در کاری را ندارد نباید به آن کار دست یازد؛ برای مثال بدون گواهینامه رانندگی نکند و در صورت لزوم باید با استفاده از عینک براند^۴ بنابراین رفتار فاعل زیان بار رفتار شخص متعارف سنجیده می شود. اگر در مقام مقایسه، فعل انجام شده با فعل یک انسان متعارف هماهنگ باشد، تقصیری رخ نداده است، در نتیجه مسئولیت محقق نمی شود. اما اگر در مقایسه با شخص متعارف تعدی و تجاوز صورت بگیرد، آن چه که از فاعل سر می زد تقصیر به شمار می آید، خواه مرتکب فعل در رفتارهای خویش شخص با توجه و بسیار محتاط باشد. خواه لابلالی و بی‌مبالات. این همان چیزی است که از اتهام مردم خواسته شده و مورد انتظار است و رفتار آنان نیز با این مقیاس مجرد مقایسه می شود و مورد مؤاخذه قرار می گیرند.

۱- مشایخی، همایون ۱۳۴۹، ص ۲۳۵ و ۲۳۶.

۲- السنهوری. عبدالرزاق، احمد، ج ۱، ص ۷۷۹، عامر حسین، ۱۹۶۵م، ص ۱۷۹.

۳- قاسم، سید مرتضی، همان، ص ۱۱۸.

۴- قاسم زاده، سید مرتضی، همان ص ۱۸۰.



بنابراین باید خودشان را به حدی از آگاهی و تمیز بالاتری کسب کنند چه بهتر و اگر از این حد اعتدال تنزل کنند، نقصان و کمبودی است بر آن‌ها لازم به توضیح است در تفسیر عمدی کاوش و تحقیق دادرسی جنبه شخصی دارد و مربوط به وضع روانی واراده‌ی خطا کار می‌شود. در صورتی که تحقیق دادرسی و معیار ارزیابی او در تقصیرهای غیر عمدی جنبه نوعی دارد زیرا در این تقصیرها کار خواننده را با رفتار انسان متعارف در شرایط وقوع حادثه مقایسه می‌کنند^۱ تقصیر عمدی به اشخاص متمیز و دارای اراده و اختیار اختصاص دارد^۲ مسئولیت مدنی، ترجمه اشتری، عمد، نشریه شماره ۳ مؤسسه مطالعات حقوق اسلامی و تطبیقی، ۱۳۵۹» و اینکه تقصیر زمانی عمدی است که قصد اضرار دیگری در میان باشد.^۳ بنابراین در تقصیر عمدی آگاهی به زانی که متعهد له واردمی شود لازم است و همین آگاهی در تحقق سوء نیت کافی است.^۴

۹- تقابل تقصیر فاحش با قتل عمدی ناشی از بی پروائی شدید در ایالت متحده آمریکا

رفتار همراه با بی‌مبالاتی شدید که از نظر یک انسان متعارف، نه فقط ناموجه بلکه متضمن خطر مرگ یا صدمه شدید بدنی از درجه بسیار بالا به دیگری یا دیگران باشد و عملاً موجب مرگ دیگری گردد، با وجود این که همراه با قصد یا صدمه شدید بدنی نباشد ممکن است قتل عمدی به حساب آید. رفتاری که نه فقط موجب خطر نامتعارف، بلکه خطر بزرگی را سبب می‌شود را می‌توان بی‌احتیاطی فاحش نامید و علاوه بر این، اگر کسی که چنین خطری را ایجاد می‌کند به آن نیز آگاه باشد، رفتار او را می‌توان «بی‌پروایی» نام گذارد. رفتار همراه با بی‌احتیاطی فاحش یا بی‌پروایی که منجر به مرگ می‌شود را ممکن است به عنوان پایه مسئولیت ناشی از قتل غیر عمدی به حساب آورده ولی برای قتل عمدی کافی نخواهد بود. در قتل عمدی، درجه خطر مرگ یا صدمه شدید بدنی باید بیشتر از صرف یک خطر نامتعارف و حتی خطر از درجه بالا باشد. شاید و چنین خطری را بتوان به عنوان خطر بسیار شدید مشخص نمود تا از سایر خطرهای خفیف‌تری که برای سایر جرایم کافی است متمایز گردد. البته وجوه تمایز میان خطر نامتعارف و خطر با درجه و خطر با درجه بسیار بالا، در درجه آن‌ها است و هیچ مرز دقیقی میان هریک از آن طبقه‌بندی‌ها وجود ندارد. رویکرد قانون جزای نمونه که به موجب آن قتل ناشی از بی‌پروائی، تنها تحت شرایطی که مبین بی‌تفاوتی شدید به ارزش حیات انسان باشد، عمدی محسوب می‌شود قابل قبول‌تر است. با این حال باید توجه داشت که برای تحقق قتل عمدی ناشی از بی‌پروائی شدید، صرف بزرگی خطر، تعیین کننده نیست. آن‌چه که مهم است و متهم باید درک کند، درجه خطر با توجه به شرایط و اوضاع و احوالی است که آگاه به آن‌هاست و نه به میزان خطر به عنوان یک فرض نظری با احتمالات ریاضی. موضوع دیگری که باید لحاظ شود این است که خطر مورد نظر، نه فقط بایستی از درجه بسیار بالا باشد بلکه متهم با توجه به آگاهی‌های خود باید آن را درک کند، همچنین در این شرایط، قبول چنین خطری باید برای او ناموجه باشد انواع رفتارهای ذیل با توجه به شرایط آنها، متضمن خطر مرگ ناموجه از درجه بسیار بالا شناخته شده‌اند که کافی برای قتل عمدی ناشی از بی‌پروائی است. مانند شلیک گلوله به داخل اطافی که چند نفر در آن قرار دارند و متهم آگاه به آن است. راندن اتومبیل با سرعت بالا در خیابان اصلی.^۵ لذا در تقابل با تقصیر فاحش همانطور که در قبل توضیح داده شد تقصیری است که مظهر عدم مهارت یا غفلت شدید در حدی شگفت است و آن چنان بی‌مبالاتی وجود دارد که کار عمداً انجام گرفته است صرف نظر از اینکه قصد نتیجه را داشته باشد لذا در تقابل با بی‌پروایی شدید در قوانین جزایی در ایالات متحده آمریکا رفتار همراه با بی‌مبالاتی شدید که از نظر یک انسان متعارف، نه فقط ناموجه بلکه متضمن خطر مرگ یا صدمه شدید بدنی از درجه بسیار بالا به دیگری یا دیگران باشد و عملاً موجب مرگ دیگری گردد با وجود اینکه همراه با قصد قتل یا صدمه شدید بدنی نباشد ممکن است عمدی به حساب آید ولی قانون‌گذار ما بی‌پروایی شدید و تقصیر فاحش را حسب مورد شبه عمد و خطای محض قلمداد نموده است.

۱- السنهوری، عبدالرزاق احمد، همان، جلد اول، ص ۷۸۲.

۲- کاتوزیان، ناصر، ص ۱۹۳ و ۱۹۴.

۳- میشل، لوراسا.

۴- سوار. محمدوحیدالین، جلد ۲، ص ۵۹.

۵- سیدحسین صفائی، مقاله مفهوم تقصیر سنگین، ص ۱۷۲.

۶- آفایی نیا، حسین، ترجمه ۱۳۸۳ و این آر، افیو، ص ۱۱۵ الی ۱۲۶.



۱۰- تقصیر فاحش و مقایسه آن با بند «ب» ماده (۲۹۱) قانون مجازات اسلامی

چنان که برخی از حقوق‌دان‌ها گفته‌اند: «تقصیر سنگین تقصیری است که مظهر عدم مهارت یا غفلت شدید در حدی شگفت است نه قص اضرار هست و نه جنایت ولی انجان بی مبالاتی وجود دارد که گویی کار عمداً انجام گرفته است.^۱ امروزه همان‌طور که برخی حقوق‌دانان معتقدند «تقصیر مستلزم سوء نیت است زیرا فاعل زیان با داشتن قصد و سوء نیت به دیگری زیان می‌رساند اما تقصیر سنگین هر قدر فاحش باشد متضمن آن نیست^۲ و اینکه تشخیص تقصیر عمدی ضرورتاً به طور شخصی انجام می‌گیرد و در حالی که در تقصیر فاحش، بررسی و تشخیص دارای جنبه نوعی است در مقایسه تقصیر فاحش با بند «ب» ماده (۲۹۱) قانون مجازات اسلامی که تصریح می‌نماید جنایت در موارد زیر شبه عمدی است که در بند «ب» ماده مذکور آمده که هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که جنایتی را به اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد. لذا جنایت در این مورد شبه عمدی است. به عنوان مثال: به این معنا که تیرانداز در شلیک به طرف هدف قاصد است ولی به تصور او، این هدف انسان نیست. فرض کنید الف به قصد شکار حیوانی به طرف آن شلیک می‌کند و گلوله دقیقاً به حیوان اصابت نماید ولی بعداً معلوم شود که انسانی بوده که برای نزدیک شدن به حیوانات خود را به صورت حیوانات درآورده است. در این مثال مرتکب قصد فعل را نسبت به مقتول نداشته و هیچ اشتباهی نیز در هویت نیز محقق نشده است.^۳ ولی مستنداً به بند ب ماده مذکور که تصریح می‌نماید اگر جنایتی به اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد قانون‌گذار اگر چه انسان محقون الدمی به قتل رسیده ولی بی‌پروایی شدید و تقصیر فاحش جانی را مستنداً به بند ب ماده (۲۹۱) قلمداد نموده است.

۱۱- نتیجه‌گیری

تقصیر فاحش تقصیری است که مظهر عدم مهارت یا غفلت شدید در حدی شگفت است نه قصد اضرار هست و نه جنایت ولی آن‌چنان بی‌مبالاتی وجود دارد که گویی کار عمداً انجام گرفته است عدالت نه تنها اقتضا می‌کند که تقصیر و مسئولیت کیفری متوجه کسی باشد که با وجود علم به نتیجه مجرمانه فعل خود آن را مرتکب می‌شود، بلکه اگر ترتب نتیجه مذکور را بر فعل یا ترک آن متحمل دانست. و از ارتکاب فعل خودداری نکرد یا در مواردی غافل بود مقصر شناخته شود. زیرا قانون‌گذار آدمی را در همه احوال مکلف به جزم و دوراندیشی در افعال خود کرده است و اگر چنان‌چه انسان در رفتار خود جانب احتیاط را نگاه ندارد و بر اثر آن نتیجه وخیمی به وقوع بپیوندد مقصر است. به عنوان مثال هرگاه شخص به علت اشتباه با احتمال اسحاق قصاص و یا مهدور الدم بودن کسی، مرتکب قتل نفس شود و پس از وقوع جرم معلوم گردد که مقتول مستحق قصاص و یا مهدور الدم نبوده است، قانون‌گذار در قانون مصوب (۱۳۹۲) در بند «ب» ماده (۲۹۱) موضوع را جنایت شبه عمدی دانسته است زیرا تصریح می‌نماید هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که جنایتی را به اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد. لذا می‌توان گفت جانی مرتکب تقصیر فاحش شده و قانون‌گذار ما عنوان شبه عمد بر آن بار نموده هر چند انسان محقون الدمی به قتل رسیده است لذا در موضوع مذکور تقصیر سنگین جانی را قانون‌گذار شبه عمدی دانسته که با بند ب ماده (۲۹۱) مجازات اسلامی منطبق است.

مراجع

۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ پنجم، نشر میزان، ۱۳۸۲.

۱- سیدحسن صفایی، همان، ص ۱۷۱.

۲- صفایی، سیدحسن، همان، ص ۱۷۲.

۳- آقایی نیا، حسین، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶.



- ۲- آقایی نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اشخاص)، چاپ چهارم، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- ۳- پوربافرانی، حسین، جرائم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات بنیاد راستا، ۱۳۶۳.
- ۵- سپهوند، امیرخان، حقوق کیفری اختصاصی (۱) جرائم علیه اشخاص، چاپ سوم، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
- ۶- صانعی، پرویز، طرح مقدماتی حقوق جزای عمومی (پلی کی)، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ ش.
- ۷- صفایی، سیدحسین، مقاله مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرط عدم مسئولیت.
- ۸- قاسم زاده، سید مرتضی، الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ پنجم، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- ۹- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۱.
- ۱۰- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ پنجم، انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
- ۱۱- لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه اشتری، محمد، نشریه شماره ۳، مؤسسه مطالعات حقوق اسلامی و تطبیقی، ۱۳۵۹.
- ۱۲- مذاکرات و آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، اداره وحدت رویه و نشر مذاکرات هیأت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۷۸.
- ۱۳- مشایخی، همایون، مبانی و اصول حقوق بیمه، نشریه شماره ۴۸ مؤسسه عالی حسابداری، چاپ میهن، تهران، ۱۳۴۹.
- ۱۴- میرسعیدی، سید منصور، مسئولیت کیفری، جلد اول، قلمرو ارکان، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- ۱۵- واین آر، لیفو سببیت و قتل در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا، ترجمه حسین آقایی نیا، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- ۱۶- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷.
- ۱۷- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.

ب: عربی

- ۱۸- اخنوخ، ابراهیم زکی، حاله الضروره فی قانون العقوبات، قاهره، دارالنهضة العربیه، ۱۹۶۶ م.
 - ۱۹- بجنوردی، میرزا حسن، منتهی الاصول، چاپ دوم، قم مکتبه بصیرتی، بی تا.
 - ۲۰- بهنام، رمسیس، الجرمه و المجرم و لجزاء، چاپ دوم، اسکندریه، منشاه المعارف، ۱۹۷۶ م.
 - ۲۱- ثروت، جلال، نظریه الجرمه المتعدیه القصد، مصر، انتشارات دارالمعارف، ۱۹۶۵ م.
 - ۲۲- خمینی، (الموسوی الخمینی)، روح الله، تحریر الوسیله، جلد چهارم، انتشارات اسلامی وابست به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸.
 - ۲۳- عامر، حسین، المسئولیه المدینه التقصیریه والعقدیه، مطبعه مصر شرکه مسامهه مصریه، الطبعة الاولى، ۱۹۶۵ م، ۱۳۷۶ هـ. ق.
 - ۲۴- عوض محم، عوض، قانون العقوبات (القسم العام)، اسکندریه، دارالمطبوعات الجامعیه، ۱۹۸۰ م.
 - ۲۵- السنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، نظریه بوجه عام، مصادر الالتزام، جلد اول، دارالنشر للجامعات المصریه، القاهره، ۱۹۵۲ م.
 - ۲۶- سوار، محمد وحیدالدین، شرح القانون مدنی، النظریه العامه للالتزام، الجزء الثاني، الطبعة الثاني، المطبعه الجدیده، ۱۹۷۸ م.
 - ۲۷- مسعود، جبران، الرائد معجم لغوی عصری، چاپ سوم، بیروت دارالعلم للملایین، ۱۹۷۸ م.
- الشرح الكبير سرافعی.